

ویژہ نامہ محرم الحرام

روز دوم

عظمتنا  
یا اهل البيت  
الحسين



**امام حسین علیه السلام فرمودند:**  
ایاک و ما تعذر منه ، فإن المؤمن لا یسیء و لا یعتذر ، و المنافق کل یوم یسیء و یعتذر  
حذر کن از مواردی که باید عذرخواهی کنی ، زیرا مؤمن نه کار زشتی انجام می دهد و نه به  
عذرخواهی می پردازد، اما منافق همه روزه بدی می کند، و به عذرخواهی می پردازد.

(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰)

# شجاعت حسینی

اما شجاعت ورود در میدان جنگ، یک مسأله است و شجاعت مواجه شدن با یک دنیا، یک مسأله ی دیگر است. امام حسین (علیه السلام) این دومی را داشت. برای این دومی حرکت کرد، برای همین است که من بارها تأکید کرده ام که حرکت امام بزرگوار ما، رشحه ای از حرکت حسینی را در کار خود داشت. حالا بعضی بگویند که امام حسین در صحرای کربلا، تشنه شهید شد؛ ولی امام بزرگوار، با این عزت حکومت و زندگی کردند؛ از دنیا رفتند و تشییع شدند. شاخص قضیه اینها نیست، شاخص قضیه مواجه شدن با یک عظمت پوشالی است، که همه ی چیزها را هم با خود دارد. قبلاً گفتم که دشمن امام حسین (علیه السلام)، پول داشت، زور، شمشیر زن، مروج، مبلغ و سینه چاک داشت. عزیزان من، الان وضع شما این است. کربلا تا آخر دنیا گسترده است. کربلا که به مرزهای آن میدان چند صد متری محدود نمی شد، الان همان روز است. همه ی دنیای استکبار و ظلم امروز با جمهوری اسلامی مواجه است.

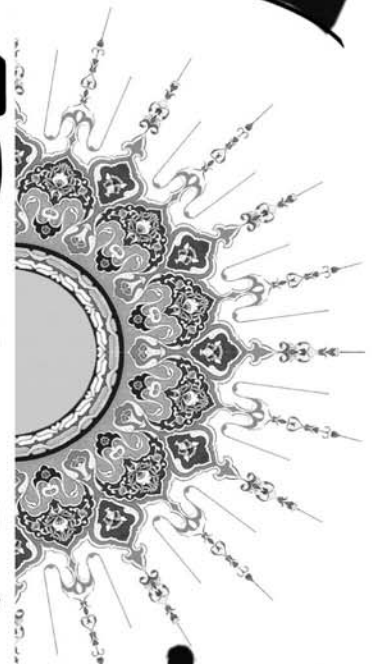


دیدار با پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۷۵/۹/۲۴

آنگاه که نوح(ع) به اتفاق یارانش برکشتی سوار شد امواج آب آنها را در نقاط مختلف گرداند تا آنکه به سرزمین کربلا رسیدند در این هنگام زمین ایشان را به سمت خود کشید به گونه ای که همه را ترس برداشت و احتمال غرق شدن دادند. نوح با خدا مناجات کرد و عرضه داشت خدایا تمام زمین را سیر کردم اینگونه کشتی درهم کشیده نشد مثل موجی که در این سرزمین در کشتی افتاد. جبرئیل نازل شد و گفت ای نوح این سرزمین مکانی است که حسین فرزند محمد خاتم انبیا، (ص) و پسر خاتم اولیا، کشته میشود. نوح پرسید جبرئیل قاتل او کیست؟ جبرئیل پاسخ داد قاتل او مورد لعنت اهل آسمانهای هفتگانه و زمین های هفتگانه است. نوح چهار بار لعنت به قاتلان سیدالشهداء (ع) فرستاد و کشتی آرام گرفت و به راه افتاد تا به کوه جودی رسید و فرود آمد.

# پیام کربلا

علیه السلام



# مجلس دوم: ورود به کربلا

حربن یزید ریاحی پس از دریافت نامه عبید الله بن زیاد امام(ع) را تحت فشار قرار داده و لشکر حضرتش را محاصره ی کامل نمود. پس از آنکه در نقطه ای مشخص مرکب امام(ع) توقف نمود و دیگر حرکت نکرد، حضرت نام آن محل را پرسیدند: جواب داده شد، یابن رسول الله(ص) به این سرزمین طف و غاضریه و نینوا و در بعضی تواریخ نوشته اند شاطی الفراط و گفتند کربلا، با شنیدن نام کربلا، حضرت فرمودند: «اعوذ بالله من الکرب و البلا» پناه می برم به خدا از کرب و بلا. اینجا توقف نمایید که این سرزمین خوابگاه شتران ما و محل ریخته شدن خون ما است، در اینجا حرمت حریم ما شکسته می شود و هتک حرمت آل رسول خواهد شد. مردان ما در اینجا کشته می شوند و اطفال ما ذبح خواهند شد، اینجا محل قبور ما خواهد بود و این جا همان جایی است که جدم رسول خدا(ص) گفته و وعده داده بود.

پس از اسکان یاران و فرزندان در خیمه ها، امام مقابل دشمن ایستاد و اولین خطبه را پس از ورود به کربلا خواندند که فرازهایی از آن چنین است:... از حقایق و ارزشهای الهی در جامعه چیزی باقی نمانده است، مگر به اندازه ی رطوبت اندکی که ته ظرف آب باقی می ماند و زندگی نکبت بار و سخت است، مگر نمی بینید که به حق در جامعه عمل نمی گردد و کسی از باطل و تباهی نهی نمی کند... مردم ذلیل و عبید دنیا گشته اند و دین و دیانت ابزار دست ایشان گردیده و فقط به زبان دیندار هستند... گاه امتحان وسختی، دیندار کم است.

شرح شمع صفحه ی ۱۴۳

برادر جان دل زینب از این صحرا هراسان است  
مزن خیمه در این وادی که اینجا دشت هجران است

## حسین من حسین من

بدل ترسم در این صحرا ز تو آخر جدا گردم  
به داغ بی علاج تو حسین جان مبتلا گردم

## حسین من حسین من

بدل ترسم که اکبر غرق خون و سر جدا گردد  
امید من علمداریت غریبانه فدا گردد

## حسین من حسین من

مزن خیمه که بر آن می زند آتش عدوی تو  
زند بر صورت زینب حسین جان روبروی تو

## حسین من حسین من

تو می دانی چرا اینگونه من نالان و نومیدم  
به گوش خود صدای مادر مظلومه بشنیدم

## حسین من حسین من

## آسیب شناسی مجالس عزاداری اهل بیت (ع)

طرح یکجانبه سیمای پیامبر (ص) و معصومین(ع) در مجالس عزا و شادی اهل بیت(ع) و تنها جنبه قداست و ملکوتی امامان را مطرح کردن و بس، توضیح آنکه پیامبر و امامان دو جنبه دارند یکی جنبه ملکوتی که در این نگاه معصوم اند، علم غیب دارند، ولایت تکوینی دارند و... و دیگر جنبه ملکی و زمینی قل انما انا بشر مثلکم ما باید در مجالس اهل بیت هر دو بعد را مطرح کنیم و تأکید بر بعد دوم داشته باشیم آنها الگوی زندگی اند جنبه های الگویی زندگی اهل بیت مطرح شود اینست که سازنده است از مناقب اهل بیت بگوئیم از انس آنها با خداوند، ارتباط صمیمی با مردم، گره گشایی از کار مردم، زهد، شجاعت و... و دهها بعد دیگر. قرآن و روایات حتی ابراز محبت به اهل بیت(ع) را مقدمه برای عمل می دانند. در آیه ای می خوانیم: قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربى. بگو بر این رسالت از شما اجری نمی خواهم جز مودت قریبی(شوری ۲۳)

آنچه که بسی مایه تأسف است آن است که اخیراً در برخی از مجالس حتی از بعد ملکوتی امامان و مناقب معنوی آنان گفته نمی شود و صرفاً سخن از توصیف چشم و ابروی اهل بیت است همان که مورد نقد مقام معظم رهبری هم قرار گرفت: (چیز دیگری که بنده در بعضی از خوانندگان جلسات مداحی اطلاع پیدا کردم استفاده از مدح ها و تمجیدهای بی معناست که گاهی هم مضر است فرض کنید راجع به حضرت ابوالفضل صحبت می شود بنا کنند از چشم و ابروی آن بزرگوار تعریف کردن مثلاً قریبون چشمت بشم، مگر چشم قشنگ در دنیا کم است؟ مگر ارزش ابوالفضل به چشمهای قشنگش بوده... اینها سطح معارف دینی ما را پایین می آورد معارف شیعه در اوج اعتلاست... ارزش ابوالفضل العباس به جهاد و فداکاری و اخلاص و معرفت او به امام زمانش است، به صبر و استقامت اوست به آب نخوردن اوست در عین تشنگی و بر لب آب بدون اینکه شرعاً و عرفاً هیچ مانعی وجود داشته باشد.)

سخن از حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در مجلس خبرگان

امام صادق(ع) فرمودند:

هرکه شعری درباره حسین(ع) بخواند  
که خود بگیرد و یا دیگری را بگیراند  
خداوند بهشت را بر او واجب گرداند و او  
را بیامرزد.

(بحار ج ۴۴، ص ۲۸۳، رجال کشی، ص ۱۸۷)

امام صادق فرمودند:

کربلا را زیارت کنید و آن را ترک نکنید زیرا این  
سرزمین بهترین فرزندان آدم را در خود گرفته  
است آگاه باشید هزار سال قبل از آن که جدم  
حسین(ع) در آن ساکن گردد، فرشتگان این  
سرزمین را زیارت کرده اند و شبی نیست مگر  
آنکه جبرائیل و میکائیل این مکان را زیارت می  
کنند

بحار ج ۹۸، ص ۱۰۹، کامل الزیارات، ب، ۸۸، ۹.